

نقش زنان پارلمانی در تحول سیاسی

حفاظت از حقوق زنان



جزوه معلوماتی ۲

حضور زنان پارلمانی در قوه مقننه سبب تحولات سیاسی می گردد. جزوه معلوماتی حاضر به سوالاتی که در باره پیشرفتهای زنان قانونگذار موجود است می پردازد: تجارب و کارکردهای این زنان در اجرای مکلفیت های شان و کار مشترک با دیگر قانونگذاران در تطبیق آجندای سیاسی شان چه بوده است؟ زنان پارلمانی در کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی، و امریکای لاتین برای موثریت سیاسی از چه ابزارهای کلیدی استفاده می کنند؟ ساختارهای نهادی اضافی و حمایتی همچون ساختارهای سیاسی زنان آنها را در تلاشهای شان تا چه حد کمک کرده می تواند؟



یونیم افغانستان
محوطه UNDP – مقابل سفارت ترکیه
شاه محمود غازی وات- شهر نو- کابل افغانستان
www.afghanistan.unifem.org
registry.unifem.af@unifem.org
تلیفون: +93 (0) 20 212 4706



بنیادهنریش بول،
سرک 1، خانه نمبر 25، قلعه فتح الله،
کابل، افغانستان.
تلیفون: 0093700295972
officekابل@hbfasia.org
www.boell-afghanistan.org

عکس ها از یوناما

فهرست

- 1....ما در چه موقعیت قرار داریم؟-ارزیابی جهانی تاخت های زنان در میدان سیاست و عوامل تعیین کننده مربوطه آن
 - 5.....اعضای زن پارلمان برای ایجاد تغییر به چه نیازمند اند؟- عوامل کلیدی تاثیرگذاری سیاسی
 - 15.....در جستجوی پیشنهادات...- ابزارهای کلیدی موثریت اعضای زن پارلمان
 - 25.....فراتر از کار های تقنینی – دستگاه سیاسی زنان و دیگر ساختارهای نهادی کمکی و اعضای زن پارلمان
-

ما در چه موقعیت قرار داریم؟

"ارزیابی جهانی تاخت های زنان در میدان سیاست و عوامل تعیین کننده مربوطه آن"

در سراسر جهان، زنان از فرایندهای رسمی و غیر رسمی تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی مانند رهبری، قانون گذاری، میانجیگری، وزارت و رییس های ارشد، محروم باقی مانده اند. از آنجا که امور سیاسی، شیوه های رهبری سیاسی و سیاست ها در چارچوب اصطلاحات مرد محورانه درک می شوند، زنان کماکان به حیث یک استثناء در دایره "فرمانروایی مردان" پنداشته می شوند. این موضوع در تمام جوامع، بدون در نظر داشت فرهنگ و مذهب غالب و سطح توسعه اجتماعی آن، صادق است.

با این حال، در دو دهه اخیر، زنان سیاسی با افزایش شمار اعضای پارلمان، دولت و سمت های وزارت و سهمگیری قاطعانه در قانون گذاری ها و سیاست گذاری های سودمند برای زنان و خانواده، تاخت و تاز های اساسی را در سطح جهانی داشته اند. شواهد روی دست داشته از مناطق گوناگونی چون آمریکای لاتین، اروپا و آفریقای صحرایی نشان می دهد که اعضای زن پارلمان سیاست ها، دستورکار ها، قانون گذاری ها و سیاست گذاری ها را تغییر داده اند. در آفریقای جنوبی و اروپا، قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان منسوخ و با طرح های اعضای زن پارلمان، توسط قانون های که بیشتر از مادران / زنان کارگر حمایت می کند تعویض شد. در تقریباً تمامی مناطق، زنان قانونگذار در راستای قوانین که منتج به رفاه اجتماعی بیشتر شود و سیاست گذاری های که به نفع تمام جامعه، به ویژه برای گروه ها محروم جامعه چون فقرا، زنان، اقلیت ها قومی و مذهبی و سالخورده گان باشد، سهم ارزنده ای خود را بازی کرده اند.

**"تا پایان ماه جون
2007 میلادی، 17.3
درصد قانون گذاران
جهان را زنان تشکیل
می دهند - یا به بیان
دیگر، شمار زنان
6412 نفر و شمار
مردان 30156 نفر می
باشد."**

در اسکاندینیوا، آفریقای جنوبی و جنوب آسیا، با حضور افزایش یافته زنان در پارلمان ها، جوامع شاهد دست آورد ها مثبت بوده اند. این دست آورد ها عبارت اند از: سیاستگذاری ها و شیوه های رهبری که کمتر با مردم سر ستیز داشت؛ فرهنگ و تصمیم گیری کاری که به اجتماعات و توافق آراء احترام بیشتر می گذارد؛ و تقسیم اوقات های پارلمانی و مدیریت زمانی که به سود خانواده ها باشد.

تا پایان ماه جون 2007 میلادی، 17.3 درصد قانون گذاران جهان را زنان تشکیل می دهند - یا به بیان دیگر، شمار زنان 6412 نفر و شمار مردان 30156 نفر می باشد. در کشور های اروپای شمالی زنان 41.6 درصد پارلمان ها، در بقیه کشور های اروپایی 20.1 درصد، در کشور های آمریکای 20 درصد، آفریقای صحرایی 17.6 درصد، آسیا 16.6 درصد، اقیانوسیه 14.6 درصد و کشور های عربی 9.6 درصد پارلمان ها را تشکیل می دهد. (تا 30 جولای 2007 <http://www.ipu.org/wmn-e/world.htm> هم اکنون، 35 زن در کرسی های ریاست 189 پارلمان سراسر جهان که 13.4 درصد 262 سمت موجود ریاست پارلمان ها و یا یکی از مجلسین می شود. تکیه زده اند. (تا 30 جولای 2007 [http://www.ipu.org/wmn-\(e\)/speakers.htm](http://www.ipu.org/wmn-(e)/speakers.htm) as of 30.07.2007

سیزده نخست وزیر و رئیس جمهور زن (6.7 درصد 193 کشور) هم اکنون مسئول تصمیم گیری های سیاسی در مناطق گوناگون جهان اند: میشل باشلی در چیلی (رئیس جمهور از 2006 بدین سو)، هلن کلارک در زیلاند نو (نخست وزیر از 1999 بدین سو، دور سوم نخست وزیری)، لیوسا دیوگو دایس در موزمبیق (نخست وزیر از 2004 بدین سو)، تاراجا هالونن در فنلاند (رئیس جمهور از 2000 بدین سو، دور دوم ریاست جمهوری)، الن جانسون-سرلیف در لایبیریا (رئیس جمهور از 2006 بدین سو)، ماری مکالیسی در آیرلند (رئیس جمهور از



1997 بدین سو، دور دوم ریاست جمهوری)، گلوریا ماکاپاگل-آرویو در فلیپین (رییس جمهور از 2004 بدین سو)، آنگیلا مارکیل در آلمان (نخست وزیر از 2005 بدین سو)، هانگ میونگ-سوک در کوریای جنوبی (نخست وزیر از 2006 بدین سو)، ماریا دو کارمو سلوریا در سوتومی و پرینسی پی (نخست وزیر از 2005 بدین سو)، پورتیا سیمپسون-مایلر در جمایکا (نخست وزیر از 2006 بدین سو) و واریا وایکی-فراییرگا در لاتیوا (رئیس جمهور از 1999 بدین سو، دور دوم ریاست جمهوری).

زنان سیاسی و نامزدان سیاسی زنان تا کنون با موانع زیادی جهت انتخاب شدن به حیث یک نامزد و تاثیر گذاری زمانی که انتخاب می شوند، روبرو هستند. عمدتاً از سال های 1990 بدین سو، در کشور های زیاد جهانی، جهت ایجاد یک "خیز تاریخی" (درودی داهلروپ)، اقدامات مثبت به شکل سهمیه ها برای زنان در قانون اساسی، و انتخابات عمومی و درون حزبی در نظر گرفته شد. هم اکنون، 97 کشور جهان مقرری های سهمیه دارند. اوسط نماینده گی زنان در این کشور ها 19.3 در صد می باشد. تا 30 جولای 2007 <http://www.quotaproject.org/country.cfm> (راه های مختلف رسیدن به شرایط انتخاباتی، با موجودیت و عدم موجودیت نظام سهمیه، برای زنان فضای مانور و مشروعیت سیاسی مختلف را در پی دارد. در عموم، حالت و پیروزی بازیگران سیاسی زنان عمدتاً توسط سه دسته عوامل تعیین می شوند: (الف) عوامل اجتماعی-اقتصادی چون تحصیلات، تجارب حرفه ای، منابع درآمدی و مالی؛ (ب) فرهنگ مسلط سیاسی و ارزش ها، قوانین، رفتارها، سلوک نسبت به امور سیاسی، رفتار سیاسی و ایدولوژی جنسیتی اش؛ و (ج) ساختار نهادی کشور که در آن امور سیاسی در قالب نظام سیاسی، نظام حزبی، نظام انتخاباتی (یعنی مقرری های سهمیه)، تمرین های کارگماری و نامزدی برای کرسی های تقنینی و اجرایی واقع می شود.

**وضعیت و کامیابی فعالین
سیاستمدار زن عمدتاً به
عوامل اجتماعی اقتصادی،
فرهنگ سیاسی حاکم و
ساختار نهادی یک کشور
بستگی دارد.**

مطالعه نمونه ای: پاکستان

از سال 2002 بدین سو به سبب مقرری کرسی های ذخیره، زنان پاکستانی 21.3 درصد کرسی های پارلمانی (17 درصد در سنا) را تشکیل می دهد. این زنان از طیف های گوناگونی ایدئولوژیک و احزاب مختلف سیاسی نماینده گی می کنند. نظر به گزارش سازمان توسعه ملل متحد (2005: 72)، برای زنان قانون گذار جهت بالا بردن آواز در مورد موضوعات زنان و بحث آن با اعضای زن حزب های سیاسی، بخش های زنان احزاب سیاسی غیر موثر بوده اند. بنابراین، در بین احزاب مرکزی مانند حزب حاکم، پاکستان مسلم لیگ گروه قاید اعظم و حزب اپوزسیون، حزب خلق پاکستان، کمیته های متعددی توسط بخش های زنان ایجاد و توسط زنان قانون گذار گرداننده گی می شد.

با وجود تلاش های اعضای زن پارلمان و سازمان های جامعه مدنی از 2002 بدین سو، به خاطر سیاست های کنونی قدرت و فقدان عمومی شبکه و ائتلاف میان حزبی، هیچ انجمن پارلمان زنان در سطح ملی تا کنون به وجود نیامده است. با این حال، اعضای زن پارلمان توانسته اند موضوعات مهم زنان را موفقانه در پارلمان و گفتگو های عامه و همچنان دستورکار های تقنینی جا دهند. از میان دیگران، سیاست مداران کلیدی حزب حاکم چون مهناز رفیع و حزب اپوزسیون چون شیری رحمان به صورت راهبردی دست به دست هم داده قانون های ویژه زنان را مانند موضوعات مربوط به قتل بخاطر غیرت و احکام حدود را به تصویب رسانیدند. با وجود تلاش های اعضای زن پارلمان و سازمان های افزون بر آن، هر چند تا کنون یک همبستگی فرا حزبی زنان تا کنون به وجود نیامده است، در سطوح گوناگون حکومت، پارلمان و جامعه مدنی مجتمع ها و کانون های بحث برای زنان وجود دارد. در سطح ولایتی، یک انجمن پارلمانی فرا حزبی به نام مجتمع سراسری زنان سیاسی بلوچستان توسط قانون گذاران گوناگون ولایتی که وابسته به احزاب و طیف های ایدئولوژیکی مختلف بودند به وجود آمد. مجتمع ها و انجمن های که توسط یکی از عمده ترین سازمان های زنان، بنیاد زن، پایه گذاری شده بود موفق از آب بر نیامد و به زودی پس از تاسیس در سال 1998 منحل شدند. اما تعداد زیادی زنان سیاسی محلی، ولایتی و ملی در شبکه های دادخواهی و فشار گذاری (لابی) بنیاد عورت همچنان فعال باقی مانده اند. نمونه این فعالیت ها، گروه نگاهی تقنینی در مراکز ولایتی لاهور، کراچی، پشاور و کوئته است که در کارگاه ها و مشاورت های که توسط سازمان های زنان برگزار می شود شرکت می ورزند و از نهاده ها و فشار گذاری های عامه آنها به نفع کار های تقنینی خود شان سود می برند. (UNDP 2005: 73-74، 78)

**انجمن پارلمانی زنان یا
شبکه پالیسی زنان دولتی
اقدامات مهمی در راستای
موثریت سیاسی زنان می
باشد.**

اعضای زن پارلمان برای ایجاد تغییر به چه نیازمند اند؟

"عوامل کلیدی تاثیرگذاری سیاسی اعضای زن پارلمان"

نظربه فضا های متفاوت عامه و زنده گی خصوصی برای زنان و مردان، زنان سیاسی برای "زنان عادی" نقش بس مهمی را جهت دسترسی به دولت و نهاد هایش، و تقویت مشارکت سیاسی بازی کرده بیشترین نقش نمونه ها را دارد. شواهدی که از تجارب و ممارستهای اعضای زن پارلمان های سراسرجهان گردآوری شده بیان می دارد که موفقیت زنان سیاسی و تاثیرگذاری سیاسی شان وابسته به نکات زیرمی باشد: (الف) رابطه آنها با جامعه مدنی، به ویژه جنبشهای زنان و حوزه های انتخاباتی شان و (ب) استفاده از افراد شان درپارلمان توسط شبکه ها وانجمن های موثر فرا حزبی و با جامعه مدنی (به شمول رسانه ها) جهت فشارگذاری، قانون گذاری و سیاست گذاری. افزون برآن، چارچوب اجتماعی-اقتصادی که زنان دران فعالیت می کنند می تواند تاثیرات مثبت ومنفی را درپی داشته باشد: اوضاع اقتصادی و سیاسی، قواعد وطرز عملهای تقنینی، سوابق، تجربه ها وشمارزنان قانون گذار(عظم/لوپندوسکی 2005: 188).

اناماری گویتز (2003) مفهوم موثریت سیاسی زنان را مطرح ساخت. توانایی یک عضو زن پارلمان در مطرح ساختن موضوعات مهم پالیسی و پیگیری آن وابسته به نکات آتی می شود: توانایی فشار گذاری (لابی) تساوی جنسیتی میان جامعه مدنی؛ اعتبار زنان سیاستمدار و سیاست های شان در رقابت سیاسی و سیاست های انتخاباتی؛ توانایی دولت و نظام سیاسی در پاسخ گویی به موضوعات پالیسی جدید؛ و جا دادن به دسته های تازه بازیگران سیاسی و اجرای سیاست های جنسیتی. به وجود آوردن مردمی که متکی به خود، منتقد و تاثیر گذار باشد به همبستگی وائتلافی نیازمند است که شامل عرصه ها و بازیگران گوناگون قوای مقننه و اجراییه در سطوح ولسوالی، ولایتی و ملی ("زنجیره مسئولیت و مبادله") باشد. موجودیت انجمن پارلمانی برای یک عضو زن پارلمانی و موجودیت شبکه سیاسی برای یک زن حکومتی گام های مهم اند.



جعبه اطلاعات: انجمن پارلمانی و شبکه پالیسی

انجمن پارلمانی عبارت از "یک نشست انحصاری اعضای یک حزب برای مقاصد سازمانی و/یا راهبردی است". در پارلمان های جهان، انواع گوناگون انجمن ها وجود دارد: انجمن پارلمانی درون حزبی، انجمن پارلمانی مربوط به یک بخش حزب مانند زنان، و ائتلاف های فرا حزبی میان حزب حاکم و اپوزیسیون و یا احزاب گوناگون اعضای پارلمان برای اهداف راهبردی و علایق سیاسی. یک انجمن پارلمانی می تواند دارای ماهیت رسمی یا غیر رسمی باشد؛ می تواند عضویت رسمی با نشست های منظم داشته باشد و یا عضویت غیر رسمی، تک کاره و موقت داشته باشد که در آن برخی از اعضای پارلمان که "دارای علایق مشترک اند گرد هم آمده جهت اعمال نفوذ بر دستورکار تلاش بورزند". (مک لین/ مکالیستر 2003: 67 – 68). تشکیل انجمن پارلمانی زنان بر عوامل گوناگون محیط حزبی در دستگاه قانون گذاری، سطح مقاومت/ تهدید همکاران مرد و میراث های همکاری و ائتلاف سازی که در دستگاه قانون گذاری وجود دارد، استوار است. تشکیل انجمن های پارلمانی رسمی و غیر رسمی در محیط های رقابت سیاسی و همکاری در پارلمان یا حاکمیت تک حزبی همراه با رهبری نیرومند، دشوار می شود. (توماس/ ولخ 2001: 171، 177)

شبکه پالیسی زنان عبارت از منظومه از کارشناسان یا گروه های ذینفع و آحاد عامه و خصوصی است که بر محور یک پالیسی تشکیل می شود. ویژه گی این شبکه این است که در آن میان اعضا در سطوح مختلف فرایند سیاست گذاری، از تعیین دستور کار تا اجرا، تبادلات مستمر وجود دارد. عضویت گروه های ذینفع در شبکه پالیسی مبنی بر حالت داخلی است. داشتن روابط نیکو با مسئولین منتخب، مدیران و بروکرات های دلسوز می تواند در تهیه اطلاعات در رابطه به قوانین، تغییرات پالیسی و راهبردی موثر باشد. " (بولز 2001: 78)

معمولاً اعضای زن پارلمانی در کشور های رو به توسعه مجبور اند در یک محیط دشوار سیاسی و اجتماعی با فضا و نماینده گی خیلی محدود کار کنند. در وضعیت های پس از منازعه، استبدادی، خیلی قطبی شده و زن ستیزانه، برای زنان قانون گذار توسعه یک دستورکار نو و متفاوت یا جلب حمایت مردم منتقد در مورد سیاست های سودمند برای زنان و جریان دهی سیاسی موضوعات زنان یک چالش بسیار بزرگ است. همچنان، باید موانع ساختاری و شخصی را که فرا روی اعضای پارلمانی قرار دارد در نظر داشت: این موانع می توانند نکات زیر باشد: مبنای حمایت، مصلحت ها و تعهدات را که برای به دست آوردن جواز نامزدی وی پذیرفته است، آرای مردمی به دست آورده و قوت آن در نظام سیاسی مربوطه، ایدئولوژی و وفاداری حزبی، منابع موجود و غیره. به طور نمونه، زنانی که طی انتخابات کرسی های خاص زنان انتخاب شده اند بیشترین نقش نمادین نماینده گی را دارند. در اکثر کشور های افریقایی و آسیایی پنداشته می شود که آنها در حوزه انتخاباتی خود مشروعیت نداشته و فاقد اقتدار سیاسی اند. همچنان، پنداشته می شود که آنها ظاهراً حمایت آرای رای دهنده گان را ندارند و بنابراین، بیشتر وابسته به قدرتمندان حزبی و سیاست های حزب هستند. کرسی های ذخیره غالب اوقات یگانه رهگذر برای زنان قانون گذار است، در حالی که کرسی های عمومی در انحصار مردان قانون گذار قرار دارند. با نظر داشت این همه، برای زنان، سیاست مدار بودن حقوق خود شان، اجرای دستورکار و برنامه های علایق سیاسی خود شان و جریان دهی موفق امور سیاسی توسط باز انتخاب شدن طی سیستم سهمیه و در صورت امکان در کرسی های عمومی، خیلی دشوار است.



جعبه اطلاعات: جماعت منتقد و اقدامات منتقدانه

اکثریت زنان فعال و دانشمند، همواره خواستار افزایش شمار زنان قانونگذار تا 30 درصد شده اند تا مفهوم **جمعیت منتقد** جامه عمل بپوشد. موجودیت جمعیت منتقد در پارلمان زنان را قدرمی سازد تا در سیاست ها اعمال نفوذ کنند. با این حال، پژوهش های تازه نشان می دهد که زنان به حیث بازیگران/انتقادی به واسطه **اقدامات منتقدانه** و تشریک مساعی راهبردی، حتی اگر در پارلمان یک اقلیت کوچک نیز باشند، می توانند تغییری ایجاد کنند. اقدامات منتقدانه افراد یا گروه/انجمن (کوچک) زنان قانون گذار عبارت از اقداماتی است که بتواند منابع مورد نیاز را منسجم ساخته، وضعیت زنان را تغییر دهد و راه را برای تغییرات بیشتر باز سازد. تغییرات بیشتری می توانند معرفی مقرری های سهمیه، کارگماری زنان دردفترهای سیاسی، قانونگذاری های مربوط به تساوی جنسیتی و غیره باشد. (چیلدنز/کروک 2006: 2، 7-8)

نظر به تجارب کشور های اروپایی غربی، جایی که تعداد انگشت شمار زنان توانسته همکاری های راهبردی را در درون و بیرون پارلمان جهت ایجاد تغییرات سودمند برای زنان تشکیل دهند، یک جمعیت انتقادی و انجمن پارلمانی زنان هر چند یک عامل نیروبخش است، یک پیش شرط اساسی به شمار نمی آید. (کرم/لویندوسکی 2005: 189) در شورای ملی برای ویلز، بدون این که انجمن پارلمانی زنان موجود باشد، "خواهری فراحزبی" تشکیل شده است. افراد فعال "قهرمانان مساوات" در گفتگو های پارلمانی دلیرانه به سود موضوعات زنان سخنرانی کرده و اقدامات مقننه منتقدانه را طرح کرده اند. در حالی که رقابت سیاسی و وفاداری های حزبی نقش مهمی در پارلمان دارد، با این حال، زنان مربوط به احزاب گوناگون توانسته اند متحد شده در راستای حمایت و توسعه تساوی جنسیتی و قانون های مربوطه سودمند برای زنان کار کنند. (چانی 2006: 702، 704)

دانشتن چانه زنی های احتمالی و فکر های راهبردی:

- ◆ در مورد موضوعات مهم سیاسی و اجتماعی، دیدگاه های مشترک با اعضای احزاب دیگر کدام ها اند؟
- ◆ کدام سیاست ها می تواند در چارچوب اجتماعی سیاسی موجود موفقانه اجرا شود و مورد پذیرش بازیگران مسلط سیاسی است؟
- ◆ همدستان ائتلافی در درون و بیرون پارلمان مانند رسانه ها، فعالان جامعه مدنی، کدام ها اند؟
- ◆ اقدامات غیر رسمی و نمادین و ابزار غیر متعارف که بتواند برای علایق پالیسی مشخص و تصویب و اجرای آن فضا باز کند کدام ها اند؟

تجربه های جهانی از کشور های رو به توسعه و توسعه یافته نشان می دهد که زنان، حتی اگر نماینده گی محدود نیز داشته باشند، می توانند تغییری را در سیاست های عامه ایجاد کنند. این کار بر نکات آتی استوار است: (الف) انواع زنانی که انگیزه نماینده گی علایق و نگرانی های زنان را دارند-هم در کرسی های اپوزیسیون و هم در کرسی های مالی؛ (ب)تعهد زنان پارلمانی در قابل شدن تقدم به حقوق زنان، فشار گذاری های درونی و بیرونی روی طرح های مشخص قانونی و بالا بردن آگاهی های سیاسی و اجتماعی؛ (ج) سطح سازمان بندی و تعهد جمعی، یعنی تا چه اندازه ای آنها می توانند با هم دیگر در تشکیلات انجمن های پارلمانی و سازمان های زنان کار کرده می توانند. به بیان دیگر، بدون همکاری های متعهدانه، هیچ قانونی و سیاست سودمندی برای زنان به تصویب رسیده نمی تواند!

مثالها از کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که زنان می توانند تحولات زیادی در عرصه پالیسی سازی عمومی حتی به ارقام کوچک و جزئی به وجود آورند.

مطالعه نمونه ای: آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی پس از آپارتاید، یک پیروزی نامه عمده برای نماینده گی سیاسی و مشارکت موثر زنان است. پس از انتخابات دموکراتیک 1994، عوامل چون نظام انتخاباتی نماینده گی نسبی با فهرست های بسته، مقرری های سهمیه کنگره ملی آفریقا و تعهد حزب بر تساوی جنسیتی منتج به این شد که زنان 33 درصد دستگاه قانون گذاری و 29.6 درصد اعضای کابینه و 61.5 درصد کرسی های معینیت وزارت را به دست آوردند. (ماینتیوس 2005: 231)

پس از انتخابات دموکراتیک 1994، که در آن آفریقای جنوبی های سراسر جهان حق رای داشتند، وزیران و اعضای زن پارلمان، همراه با جامعه مدنی و جنبش های زنان فعال، یک رشته تغییرات مبتکرانه در قوانین و سیاست ها را جهت مبارزه با تبعیض های جنسیتی و تقویت موضوعات خیلی مهم زنان برای گنجاندن در دستور کار های سیاسی و قانونی به وجود آوردند. یک از عوامل کلیدی این پیروزی نامه، همبستگی و همکاری راهبردی فعالان زن و زنان سیاسی بود که فراتر از حیطه نژاد، قوم و ایدئولوژی سیاسی کار می کرد. در جامعه تقسیم شده و قطبی شده مانند آفریقای جنوبی چند نژادی و چند قومی، ایجاد چنین ائتلافی چالش بزرگی بود، زیرا نظر به چندگانگی زنان منافع مشترک محدود و به خاطر سال های دراز اختلافات خشونت آمیز و سرکوب گری سیاسی بد گمانی ها گسترده بود.

در سال 1992، اعضای 92 سازمان جامعه مدنی، همبستگی های منطقه ای و احزاب سیاسی توانستند همبستگی ملی زنان را پایه گذاری کنند. این همبستگی، در واقع، قانونی بود که توانست لایحه تساوی موثر زنان (قانون حقوقی) را به تصویب برساند. این لایحه، نتیجه رایزنی های گسترده با چندین هزار زن در سراسر کشور جهت مستند سازی نیاز های پالیسی و قانونی آنها از قبیل مساوات در قانون کار، مالکیت و وراثت، و مبارزه با خشونت علیه زنان بود. این لایحه ابزاری برای فشار گذاری در پارلمان و نظارت بر سیاست های حکومت بود و راه را برای طرح های مشابه در نامیبیا، زامبیا و کینیا باز کرد.

در سال 1993، زنان با فشار خود توانستند راه شان را به سوی میز مذاکرات روند دموکراسی سازی باز کنند. آنها یک انجمن جداگانه برای زنان ساختند که موفقانه بر اصل تساوی جنسیتی و برتری آن نسبت به قوانین عرفی پافشاری کرد و در قانون اساسی آنرا جا داد. آنها همچنان، برای سیاست های حکومت ایجاد یک بدنه مشورتی جنسیت را پیشنهاد کردند و گفتگو های عامه را در مورد نگرانی های جنسیتی آغاز کردند.

مطالعه نمونه ای: آفریقای جنوبی [ادامه]

کنگره ملی آفریقا، که در آن زمان اپوزیسیون عمده و از 1994 تا آن زمان حزب حاکم بود، دارای یک اتحادیه نیرومند زنان یعنی انجمن زنان پارلمانی بود. این سازمان در واقع، یک سازمان فکری بود که در بستر زمان به یک انجمن پارلمانی تغییر شکل داده بود و جهت تقویت دستورکار زنان کار می کرد. چند نمونه کار آنها، پیشنهاد طرح های قانونی برای مذاکرات انتقالی و تسوید قانون اساسی بود. پس از نخستین انتخابات پارلمانی در سال 1994، اعضای زن پارلمان جهت پاسخگو ساختن طرز عمل و ساختار پارلمانی به نیاز های زنان متحد شدند: ساعات کاری تا حد اکثر 6 شام محدود شد و مستراح زنان و تسهیلات مواظبت از کودکان به میان آمد. اما گروه فراحزبی زنان پارلمانی با مشکلات عمده روبرو شد. عوامل این مشکلات را می توان قرار زیر برشمرد: ایستار ها و علایق پالیسی مختلف در مورد موضوعات زنان در میان احزاب مختلف، نگرانی های که میان اعضای انجمن پارلمانی مالی و اپوزیسیون موجود بود، فقدان منابع و یک ساختار نهادینه شده و همچنان مقاومت ضد موجودیت این انجمن ها توسط رهبران سیاسی مرد- "مخالفت حزبی نیرومند تر از موافقت با موضوع جنسیت است" این گفته یک عضو پارلمان و عضو کنگره ملی آفریقا بود (نقل شده از گاسلر 2000: 622). در نهایت، آنانی که توانست موفقانه طرح های تساوی جنسیتی را مهندسی کند و به حیث یک گروه فشار برای تغییرات قانونی سودمند برای زنان در درون پارلمان عمل کند، انجمن پارلمانی زنان حزب کنگره ملی آفریقا بود. افزون بر آن، "کمیته مشترک دائمی" چند حزبی در مورد "بهبودی کیفیت زنده گی و حالت زنان" به شکل یک مجتمع پارلمانی جهت شناسایی و فشارگذاری بر اولویت سنجی قانون های ویژه زنان و نظارت بر سیاست های حکومت عمل می کرد. در نتیجه، چندین قانون مربوط به آزار جنسی در کار، حقوق تولید مثل زنان، خشونت خانواده گی و نگهداشت مالی برای مادران و زنان که در ازدواج های عرفی داشته اند، و به رسمیت شناختن ازدواج های عرفی به تصویب رسید. افزون بر آن، بودجه های زنان به عنوان بخش الزامی بودجه های حکومت و برنامه های حفظ الصحة رایگان برای مادران حامله و کودکان زیر شش سال معرفی شد. این موفقیت های پالیسی حاصل فشار گذاری های شدید انجمن پارلمانی زنان حزب کنگره ملی آفریقای و تلاش های هماهنگ شده زنان پارلمانی حزب کنگره ملی آفریقای با زنان فعال جامعه مدنی، همکاران مرد و رئیس جمهور آفریقای جنوب تابو مبیکی بود. (مابینتیس 2005: هاسیم 2004؛ مابینتیس 2003؛ گاسلر 2000؛ سایمن 1999)

یکی از چالش‌های که در راه تشکیل یک انجمن موثر پارلمانی قرار دارد، همان‌گونه که در نمونه آفریقای جنوبی نشان داده شد، تنوع نماینده‌گان زن در پارلمان است. این تنوع، ایستارها و دیدگاه‌های گوناگونی را در برابر موضوعات مربوط به زنان و قانون‌گذاری‌های احتمالی حقوقی و سیاسی به میان می‌آورد. زنان از همدیگر در سابقه اجتماعی-سیاسی، تجربیات زنده گی، ادراک نقش (جنسیتی) شان به حیث نماینده‌گان مردم، ارزش‌ها و تعهدات ایدئولوژیکی، سیاسی / حزبی تفاوت دارند. نماینده‌گان زن که در کرسی‌های عمومی انتخاب می‌شوند، اساساً خودشان را پاسخگو و مسئول در برابر تمام حوزه انتخاباتی‌شان می‌دانند (نه فقط در برابر زنان). این امر در مورد آنانی که طی شیوه سهمیه برای زنان انتخاب می‌شوند، شکل دیگری را به خود می‌گیرد. دیگران احتمالاً علاقه ندارند در فضای عمومی به حیث نماینده موضوعات زنان شناخته شوند "زیرا این موضوع می‌تواند در جوی که زیر تسلط مردها قرار دارد به شغل آنها آسیب رساند" (توماس/ویلخ 2001: 167). چالش دیگر که نسبتاً بیرون از حیطه توان نماینده‌گان زن است، چارچوب نهادی است که سیاستمداران زن در آن فعالیت می‌کنند، آزادی و توانایی نماینده‌گان پارلمان در اعمال نظریات و دستورکار شخصی و مانور سیاسی، و میزان پذیرش زنان و منافع سیاسی آنها در احزاب، حکومت و دیوان سالاری دولت است. در فضا‌های خیلی قطبی شده و رقابت آمیز، یک شمار قابل توجه همکاران زن حمایت‌گر و قانون‌گذاری دسته جمعی، همچنان با همکاران مرد، از اهمیت بزرگ‌تری جهت ایجاد موثریت و تصویب قوانین سودمند برای زنان برخوردار می‌گردد. (به لویندوسکی 2005: 14-16؛ مایر 2005؛ 59؛ کارول 2001: xxv، xxi؛ توماس/ویلخ 2001: 176، 178؛ توماس 1991: ff960 نگاه کنید)

**"در جا‌های که زنان صاحب
مقام کتله بزرگی را
تشکیل می‌دهند و قادر به
کار کردن با یک دیگر در
فضای غیر رسمی یا در
انجمن‌های پارلمانی رسمی
اند، احتمال بیشتر می‌رود
که زنان بتوانند تغییر ایجاد
کنند." (سوسن ج کارول 2001:
[xvi])**

یوگاندا از نظام "هیچ حزبی" پیروی می کند زیرا از اینکه مبدا احزاب سیاسی تنش های قومی را تشدید کنند در هراس اند. در اواسط 1990 برای مشارکت زنان در مجلس موسسان کرسی ها ذخیره شده بود اما ایشان برای کرسی های آزاد نیز به رقابت پرداختند. در نتیجه این تلاش، زنان 18 درصد نماینده ها (52 کرسی) را تشکیل دادند.

"اکثر زنان به انجمن زنان غیر حزبی پیوستند که خیلی مورد حمایت جنبش های زنان قرار داشت؛ به ویژه زمانی که هدف فشار گذاری جهت شامل سازی فقره های مربوط به تساوی جنسیتی در قانونی اساسی بود. انجمن زنان در شامل سازی یک سلسله مقرری های کلیدی در قانون اساسی نقش محوری را بازی می کرد. این مقرری ها عبارت بودند از: اصل عدم تبعیض جنسیتی، فرصت های مساوی برای زنان، رفتار امتیازی و اقدام مثبت برای جبران بی عدالتی های گذشته، تاسیس کمیسیون فرصت های مساوی و حقوق مربوط به کار گماری، مالکیت و خانواده." (گویتر 2003: 117 - 118)

انجمن زنان از اطلاعات که پیش از پیش از رایزنی ها با وزارت زنان و نظریات زنان در مورد تغییرات لازم حقوقی گرد آوری شده بود استفاده می کرد. این انجمن پیروزی های را در راستای معرفی اقدام مثبت به شکل ذخیره ساختن کرسی ها برای زنان در دولت های محلی و سمت های وزارت کسب کرد. اما منتقدان بر این باور اند که موثریت سیاسی زنان از این کار آسیب دید زیرا کرسی های زنان در بدنه تصمیم گیری سیاسی به ساده گی "افزوده" شد به عوض این که در این بدنه ها برای زنان فضای لازم باز می شد و بدین گونه برای زنان سیاستمدار رقابت و جریان دهی ایجاد می شد (گویتر 2003: 122)

پس از انتخابات پارلمانی (که زنان در آن کرسی های ذخیره داشت)، یک انجمن زنان در پارلمان نیز تشکیل شد اما این انجمن در سال های 1996 تا 2001 غیر فعال باقی ماند. قانونگذاران زن نتوانستند در کمیته های پارلمانی در مورد موضوعات مهم مربوط به زنان مانند حقوق زمین متحد شوند. دلیل عمده این ناکامی، سیاستمداران زن نه بلکه ساختار سیاسی بود زیرا در همچو ساختار، قانون گذاران باید از طرح های (که وجود نداشت) جنبش حاکم حمایت می کردند. در 2001 یک طرح جدیدی آغاز شد که آن عبارت از "همبستگی جواب دهی سیاسی برای زنان" بود. هدف این همبستگی حمایت کردن از نماینده گان زن در تلاش های شان در مورد نگرانی های تساوی جنسیتی بود. (گویتر 2003: 124، 126)

"اما وضعیت کنونی به خطر افتاده زنان در سیاست یوگاندا درسی خوبی را به ما می آموزاند: هر چند زنان می توانند از حمایت مستقیم رییس جمهور سود های فراوانی ببرند، تا زمانی که حضور شان را در نهاد های نهادینه نکرده باشند، موثریت شان در تقویت دستور کار تساوی جنسیتی اندک خواهد بود (...)." (گویتر 2003: 136)

در دموکراسی های نو و نوظهور امریکای لاتین و آفریقای صحارایی، موفق ترین سیاستمداران زن روابط قوی با جامعه مدنی به ویژه جنبش های زنان داشته اند و یا به دنبال روند دموکراتیک شدن و به کمک مقرری های سهمیه از فعالیت/رقابت اجتماعی گذشته و به فعالیت سیاسی رسیده اند. آنها از درجه های فرصت که به روی شان گشوده شده بود توانستند به نفع سیاست گذاری های راهبردی استفاده کنند.

به گونه مثال، سهمیه های که در کشور های امریکای لاتین معرفی شد منتج به افزایش شمار قانون گذاران زن با شغل های موفق سیاسی و اصلاح قوانین مالکیت و وارثت شد؛ و در آفریقای صحارایی منتج به معرفی قوانین تخلفات جنسی و خشونت های جنسیتی شد. در کشور چیلی سیاستمداران زن احزاب چپ مرکزی یکجا با فعالان مستقل "انجمن زنان برای دموکراسی" را با اهداف شامل سازی منافع زنان در خط مشی احزاب سیاسی، تأسیس وزارت زنان، و همکاری با زنان احزاب دیگر سیاسی جهت تصویب کردن قانون محافظت زنان و خانواده های متروک ایجاد کردند (ویلین 2000: 774، 784). در حالیکه در آرژانتین سیاستمداران زن و سازمان های غیر دولتی موفقانه با شورای ملی زنان همکاری کرده، در سال 1991 موفق به معرفی قانون سهمیه شدند و توانستند اجرای آن را در انتخابات بعدی تضمین کنند (ویلین 2000: f776). افزون بر آن، اعضای زن مجلس موسسان آرژانتین، یک ائتلاف میان-حزبی را در سال 1993 با هدف تسجیل کردن قانون سهمیه و کنوانسیون محو تمام انواع تبعیض علیه زنان (CEDAW) پایه گذاری کردند. این همان ائتلافی بود که در پارلمان های بعدی نیز ادامه داشت و عدم موجودیت آن می توانست بوجود آورنده نظام ریاست جمهوری با سیاست های زن ستیزانه باشد. نظر خواهی ها از مردمی نشان می دهد که مردم شمار زیادی از نماینده گان زن را بدیل های سیاسی معتبر و مهم به عوض نخبگان سیاسی فاسد، خشن و ناکارای معمولاً مرد دانسته و بنابراین آنها را مجدداً انتخاب کرده به ایشان مسئولیت های بیشتری در سمت های رییس های کمیته های پارلمانی، وزیران و شورای اجرایی احزاب سیاسی می سپارند.

**زمانی که یک انجمن پارلمانی در
بین خود متحد می شود، نتیجه
اش یک قدرت سیاسی است که
ظرفیت پیروزی بر گروه های
پراکنده (گروه های که در درون
یک نهاد در اقلیت قرار دارند) را
دارد.**" (توماس 1991: 973)

در جستجوی پیشنهادات...

"ابزار های کلیدی موثریت اعضای زن پارلمان"

کار های سیاسی نماینده گان زن می توانند تاثیری در سطوح گوناگون سیاسی و اجتماعی داشته باشند:

- ◆ "واکنش ها نسبت به سیاستمداران زن، با کاهش رفتار های جنس گرایانه و آزار جنسی؛
- ◆ کار کرد و کار آیی سیاستمداران زن، با شمار کمتر زنان که علاقه به ترک سیاست داشته باشند؛
- ◆ جوی اجتماعی زنده گی سیاسی با شکل گیری ساختار های کاری که بیشتر توافق محور و به سود خانواده باشد.
- ◆ گفتمان سیاسی، با تعریف دوباره "نگرانی های سیاسی"
- ◆ دستور کار سیاست گذاری با زنانه سازی دستور کار سیاسی؛ و
- ◆ نفوذ و نیروی زنان به صورت کلی، با توانمند سازی وسیع تر اجتماعی و اقتصادی زنان". (داهیل روپ نقل شده در کودکان/کروک 2006: 7)

در رابطه به قانون گذاری در مورد مووعات زنان می توان میان قانون های حقوق زنان (مانند مساوات در معاش، خشونت علیه زنان، حقوق تولید مثل) و قانون های که در مورد منافع سنتی زنان است و نقش زنان را به حیث مواظبت گران بازتاب می دهد (مانند حفظ الصحه، آموزش و پرورش، خانه داری) تفاوت قایل شد. بنابراین، یک نماینده زن زمانی به موضوعات زن به شیوه سنتی و در محدوده فهم فیمینستی پاسخ می دهد که قانون گذاری و سیاست گذاری وی بازتاب دهنده خواسته و نیاز های زنان ساکن در حوزه انتخاباتی وی باشد. (تریمبلی 1998: 439-440)



جعبه اطلاعات: شبکه سازی به حیث یک ابزار

"شبکه سازی برای نماینده گان زن در پارلمان یک راهکار بسا مهمی اجتماعی شدن است. شبکه سازی متضمن دسترسی فوری به دانش است که در صورت نبود آن نماینده گان زن نیاز مند سال های تجربه اند تا در پارلمان بتوانند گرد هم آمده نگرانی های خود را بیان دارند و دانش و تجارب خود را مشترک سازند. بنابراین، شبکه سازی ظرفیت نماینده گان زن را جهت ایجاد موثریت خیلی بالا می برد. چنین یک شبکه سازی می تواند هم در درون و هم بیرون (کمتر اتفاق می افتد) از مرز های حزبی ایجاد شود. نمونه های موفق ائتلاف های میان حزبی نماینده گان زن در پارلمان را می توان در شماری از کشور ها به شمول سویدن، فرانسه، هالند، آفریقای جنوبی، کرواسی و مصر سراغ کرد. موضوع این ائتلاف ها متنوع بوده اند و قوانین تجاوز جنسی، اصلاحات انتخاباتی، اصلاحات نهادی، حالت شخصی و همچنان موضوعات که مخصوص یک کشور بود (مانند حق درخواست زن برای پاسپورت بدون ضرورت اجازه شوهر در مصر و حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دالیت ها (نچس ها) در هندوستان را در برمی گرفت (...))."

کرم/لویندوسکی (2005: 194).

یکی از ابزار های موفق، تاسیس کمیته های دایمی امور زنان بوده است. نمونه چنین کمیته ها انجمن فوق الذکر آفریقای جنوبی است که وظیفه اش نظارت بر تعهدات دولت در راستای اجرای کنوانسیون محو تمام انواع تبعیض علیه زنان، و کار با پارلمان جهت تعیین ساعات کاری به سود خانواده ها و ایجاد تسهیلات برای مراقبت از کودکان در جریان کار است. با این حال، نه تنها باید از به انزوا و به حاشیه راندن موضوعات زنان جلوگیری کرد بلکه آن موضوعات را در کمیته های پارلمانی مربوطه که مسئولیت تغییرات تقنینی را دارد مورد بحث قرار داد. نمونه چنین کمیته ها می تواند کمیته پلان گذاری عامه / زیربنایی، و در موارد پروژه های درآمد زایی و آموزش برای زنان کمیته کار و موضوعات مالی باشد. (2005 UNRISD: 158)



جعبه اطلاعات: کمیته های تساوی جنسیتی

به عنوان بخشی از دستگاه سیاسی زنان، کمیته های ویژه در دولت ها، وزارت خانه ها و پارلمان های کشور های زیادی در سراسر جهان تاسیس شده است. بازیگران گوناگون سیاسی احزاب عمده پارلمان ها، مسئولین حکومت و بروکرات های متخصص و همچنان کارشناسان برگزیده و گروه های فشار جامعه مدنی اعضای این کمیته ها را تشکیل داده اند. در چندین کشور، دلیل تاسیس چنین کمیته ها نظارت بر تطبیق کنوانسیون محو تمام انواع تبعیض علیه زنان بوده است. در آفریقای جنوبی و کشور های عضو و کشور های نامزد اتحادیه اروپا، این کمیته ها با هدف بهسازی پروژه های مشخص سیاست های زنان مانند جریان دهی جنسیت و بودجه سازی جنسیتی به میان آمد.

"کمیته های تساوی جنسیتی رسمی و غیر رسمی موفقانه در آفریقای صحرایی و هالند تاسیس شد. همچنان، مجلس های سکاتلند و ویلز کمیته های تساوی همه جانبه دارند که زیر فشار نماینده گان زنان به موضوع مساوات علاقه زیاد می گیرد. همچنان کمیته های قانونگذاران زن مانند کمیته های که در زیلاند نو، استرلیا و ایالات متحده امریکا موجود است، نیز کامیاب اند. در نمونه های دیگر، سازمان های چتر ملی (غیر دولتی) و یا سازمان های قوی مردمی نقش تسریع کننده را برای زنان جهت رسیدن به موقف های کلیدی بازی می کند." (اعظم/لویندوسکی 2005: 196)

یک ابزار غیر رسمی تری توسط بریگیتا داهل، رییس اسبق پارلمان سویدن معرفی شود. وی "مهمانان را جهت بحث در مورد جنبه های گوناگون تساوی جنسیتی و همچنان موضوعات عمومی دموکراسی به پارلمان دعوت می کرد" و همچنان کودکانی را نزدیک پارلمان تاسیس کرده بود تا نماینده گان زن که از حوزه های انتخاباتی دورتر می آیند بتواند کودکان شان را نزدیک خود داشته باشند. (وانگنرود 2005: 246) این مجتمع های آموزنده عامه می توانند برای علاقه مند سازی و پیروز شدن بر همکاران مرد غرض تقویت قوانین سودمند برای زنان و خانواده نیز مفید باشد. جدا از این، برای همکاران مرد باید در مورد موضوعات جنسیتی اطلاعات داده شود، و در سخنرانی های عامه، مصاحبه های رسانه ای و تصویر های که آنان ارائه می کنند، رهنمایی شوند، زیرا آنان کارگزاران قوی مهم قدرت و هم پیمانان لازم راهبردی طرح های مقننه اند. (کرم/لویندسکی 2005: 196)

جعبه اطلاعات: گروه های حمایت و نظارت

گروه های حمایتی که مرکب از زنان حرفه ای و اعضای زن در پارلمان است عمدتاً در اروپا تشکیل شده است. همان گونه که ریتا کوسوکانین، عضو پارلمان فنلاند تایید می کند، گروه های حمایتی نقش مهم پشتیبانی احساساتی و حرفه ای را بازی می کنند: "نفس این که زنان می توانند از مرز های احزاب و حرفه های شان فراتر رفته، گرد هم آیند و همدیگر را نه به خاطر موضوعات شخصی بلکه از لحاظ پیشه کمک کنند، فوق العاده ارزشمند است!" افزون بر آن، گروه های نظارتی تشکیل شده است که در آن سیاستمداران مهتر یا زنانی که در سمت های رهبری هستند بر کار های کهتران نظارت می کنند و آنها را در امور پروژه و مسیر شغل شان مشوره داده و راهنمایی می کنند. این امر باعث می شوند تا آنها تشویق شده بتوانند دوره های دشوار را سپری کرده موثریت شان افزایش یابد. (کرم/لویندسکی 2005: 194)

تغییر دادن طرزالعمل ها و قواعد جهت ایجاد فضای لازم و محیط استعداد پرور برای زنان که ایشان را قادر به ایجاد تغییر سازد، به آسانی به دست نمی آید. دلیل عمده این دشواری، موانع بیشمار است که توسط گروه های محافظه کار در نظام سیاسی و جامعه و همچنان همکاران مرد ایجاد می شود. معمولاً، موضوعات زنان به خاطر وظایف به اصطلاح عاجل تر منافع ملی و یا به خاطر هراس از واکنش تند محافظه کاران / بنیادگرایان، همان گونه که در اروپای پس از کمونیزم و مناطق برجسته اسلامی آسیا تجربه شد، به حاشیه رانده می شود. در اکثر دموکراسی های نو و نوظهور و کشور های در حال گذار از سال های دراز منازعه، زنان فاقد مهارت های لازم جهت سهمگیری در کار های عامه اند؛ قواعد بازی معمولاً نا پایدار اند و طرزالعمل های قانونی بایستی در جریان کار، بدون آموزش های کمکی، زمان مساعد و منابع بشری آموخته شوند.

**"چنین تمرینی در بندویستاگ
(پارلمان) آلمان اجرا می گردد؛
زمانی که یک زن دست اش را
برای اخذ نوبت بلند می کند، وی به
صورت خود کار در صدر فهرست
مردان متقاضی صعود می کند.
این تمرین جهت از بین بردن بی
اعتمادی های زنان برای صحبت
در یک فضای که در آن مردان
تسلط بیشتر دارند و حد اکثر
سازی فرصت های مشارکتی
اجرا می شود. این تمرین آن قدر
در میان اعضای پارلمان جا افتاده
است که ایشان حتی زمانی که
بیرون از پارلمان اند از این شیوه
پیروی می کنند. (کرم/لویندوسکی**

(2005: 204)

زنان به واسطه پارلمان تغییر ایجاد می‌کند- چند رهنمود توسط موسسه بین المللی برای کمک های دموکراتیک و انتخاباتی

نهادی/طرزالعملی و نماینده گی	نفوذ در نتایج و گفتمان
یاد گرفتن قواعد • در برنامه های آموزشی و آشنایی اصول رفتار داخلی پارلمان شرکت کنید؛ مهارت های سخنرانی عامه و ارتباط گیری موثر را تقویت کنید؛ و با همکاران مرد رابطه داشته بر آن ها فشار گذاری کنید. • با سازمان های زنان شبکه ایجاد کنید. • نظارت توسط اعضای مهتر پارلمان • فهمیدن و اداره رسانه ها	• میان دیدگاه های زنان، نیاز های ویژه زنان و موضوعات جنسیتی تفاوت قابل شوید. • با رسانه ها، سازمان های ملی و بین المللی انجمن ایجاد کنید. • توجه دیگران در مورد گفتمان های تبعیض آمیز ضد زنان جلب کنید. • در کمیته های گوناگون (مانند بودجه، دفاع و روابط خارجی) حضور داشته باشید • ارزش و اهمیت کمیته های نرم (کمیته های که روی موضوعات چون معارف، صحت، رفاه اجتماعی و غیره کار می کند) را واضح سازید.
به کار بستن قواعد • برای نامزدی و رای دهی برای زنان در انتخابات داخلی و درون حزبی دلیل ایجاد کنید. • توجه دیگران را به فقدان زنان در سمت های کلیدی جلب کنید. • در کار های کمیته های کوشش کنید. • بر دولت به خاطر ایجاد فرصت های مساوی برای زنان در کرسی های وزارت فشار آورید. • کوشش کنید جهت شمولیت بیشتر نگرانی های زنان ساختار ها را توسعه دهید. • شبکه های را ایجاد کنید که در آن شیوه های گفتگو های بیشتر متقاعد کننده و کمتر خصومت آمیز تمرین شود.	• در دستورکار های پارلمانی اعمال نفوذ کنید: اقدامات متوجه به زنان (مانند تغییرات در تقسیم اوقات کاری پارلمان جهت رسیده گی به نیاز های مادران کارگر) را معرفی کنید. • در مورد موضوعات زنان نظر سنجی کنید و از دریافت های خود جهت شامل ساختن موضوعات در دستورکار های حکوت و برنامه های تقنینی استفاده کنید. • برای کمک همکاران خود سخنرانی کنید، طرح های تقنینی را به وجود آورید و از طرح های تقنینی همکاران تان حمایت کنید. • با اعضای مرد پارلمان همکاری کنید • با همکاری رسانه ها، نگرانی های مشخص تان را به موضوعات عامه تبدیل کنید (مانند: راجع ساختن آزارجنسی به اعضای زن در پارلمان). • نابرابری های جنسیتی را به دیگر نابرابری ها ربط دهید. • با دیگر گروه های به حاشیه رانده شده همبستگی ایجاد کرده از ایشان طالب نماینده گی شوید. از رسانه ها به حیث ابزار های موثر آگاهی عامه جهت گسترش حوزه های انتخاباتی زنان و جلب حمایت مردمی استفاده کنید.

تغییر دادن قواعد

- قواعد انتخاب و معیار های نامزدی را برای تمام حزب به ویژه برای سمت های رهبری تغییر دهید.
- برای نماینده گی متناسب زنان و مردان در کمیته ها و موضوعات مشخص شیوه سهمیه را معرفی کنید.
- کسی را مسئول امور زنان سازید. مسئولیت وی این است که متعهد بودن سیاست مداران احزاب و قوه تقنینیه را در دستور کار زنان تضمین کند.
- کمیته های تساوی جنسیتی را تاسیس کنید.
- دستگاه ملی را به وجود آرید که از اجراءات نظارت کرده و متضمن جواب دهی باشد؛ در تقسیم اوقات پارلمانی گفتگو های مرتب را در مورد پیشرفت کار ها نهادینه سازد.
- طرز العمل های را بوجود آورید که سخنرانان زن را تشویق کند (یعنی آنها را نسبت به همکاران مرد حق تقدم دهد).
- در روند اصلاحات و عصری سازی نهادی و طرز العملی شرکت بورزید و تضمین کنید که تغییرات به وجود آمده به سود زنان است.
- برای برنامه ها/پروژه های که هدف اش تسهیل روند تصمیم گیری های زنان است (مانند مکتب های آموزش رهبری، بالابردن یارانه های دولت برای احزاب که دارای زنان بیشتر در سمت ها و نامزدی های رهبری دارد؛ معرفی بودجه ویژه زنان که هدف اش تقویت تصمیم گیری های زنان باشد) مشوق های مالی پیدا کنید.
- با جنبش های زنان و رسانه ها همکاری کنید تا تصویر زنان که "فقط" خانم خانه است را تغییر دهید، و جهت تعدیل تصویر زنان، ایشان را سیاستمداران کارا و کارآمد نمایش دهید.
- به عوض تقلید از مردان با انکار کردن از زنانگی خود، بر هویت زن بودن خود ببالید.
- قانون ها را جهت شامل سازی موضوعات مهم نوظهور زنان (مانند حل مخالفت ها، صلح پروری، حقوق بشر، بودجه های ویژه زنان) توسعه دهید.

جعبه اطلاعات: مهارت و نهاده های علمی

قانون گذاری ها و سیاست گذاری های موفق، فقط به معنی شبکه سازی و ائتلاف سازی های راهبردی در درون و برون پارلمان نیست، بلکه ربط می گیرد به دانش روز در مورد موضوعات زنان و مقررات و راه حل های احتمالی آن. تجارب علمی دانشمندان عرصه های گوناگون، رشته ها و نهاد های علمی می توانند در امر تهیه پیشنهاد نامه های پالیسی/ قانونی کارآمد و کارا یاری رسانند. از طریق آنها می توان مشکلات پیچیده اجتماعی را فهمید و در مورد برنامه ها و سیاست های روی دست و نتایج آنها پژوهش و زمینه یابی کرد.

"پارلمان های اروپایی از نیت نیکو و دانش دانشمندان در راستای طرح سیاست ها در مورد موضوعات چون خشونت خانواده گی، برده گی زنان، قاچاق زنان، مواظبت از کودکان و سالخورده گان، خدمات بازنشستگی و سلامتی زنان استفاده خوبی کرده اند. پژوهش در مورد موضوعات پالیسی (پالیسی) یک ابزار عمده سیاسی است. اعضای زن پارلمان می توانند با مشارکت در کنفرانس های که توسط سازمان های زنان، کارشناسان و سیاستمداران برگزار می شود، و همچنان با انجمن سازی با اعضای دیگر که دارای عین علایق باشند، به نتایج این پژوهش ها دسترسی پیدا کنند." (کرم/ لوینوسکی) (2005: 198)

"پارلمان های اروپایی از نیت نیکو و دانش دانشمندان در راستای طرح سیاست ها در مورد موضوعات چون خشونت خانوادگی، برده گی زنان، قاچاق زنان، مواظبت از کودکان و سالخورده گان، خدمات بازنشستگی و سلامتی زنان استفاده خوبی کرده اند"

مطالعه نمونه ای: آمریکای شمالی

در سال 1993 در *کتابخانه*، شمار زیادی اعضای زن حزب لیبرال در پارلمان راه یافتند. سپس آنها انجمن پارلمانی زنان حزب لیبرال را به وجود آوردند. هدف از آن، تقویت دستورکار جنسیتی و "کار به عنوان شورای نگهبان داخلی جهت نظارت بر تأثیرات قانون های مطروحه بالای زنان، و فشار گذاری (لابی) بر اعضای کلیدی کابینه و انجمن پارلمان حزبی جهت تضمین شمولیت نگرانی های زنان در قانون های دولتی، بود" (ستیل 2003: 9). دو سوم اعضای انجمن پارلمانی، اعضای گروه های زنان بود. انجمن پارلمانی زنان لیبرال به حیث یک انجمن رسمی حزب لیبرال در آن حزب نهادینه شد.

"به همین دلیل بود که ساختاری ساخته شد که طی آن اعضای زن پارلمان مربوط به حزب لیبرال تشویق شدند و قادر به اتخاذ ایستار های مشترک در مورد موضوعات مربوط به زنان در مجلس عوام آن کشور گشتند. افزون بر آن، احتمالاً نفس موجودیت انجمن پارلمانی زنان بر اعضای منتخب زنان احزاب دیگر اعمال فشار کرده است و آنها را جهت اتخاذ ایستار های مشابه در مورد موضوعات زنان در مجلس جسارت بخشیده است (...)" تریمبلی 1998: 446

مطالعه نمونه ای: امریکای شمالی [دنباله]

اما نظر به دستورکار لیبرال نوین حزب که هدف اش کاستن برنامه های رفاهی خیلی گزاف بود، اعضای انجمن نتوانستند دارای نماینده گی بایسته در تقویت برنامه های اجتماعی (مراقبت کودکان و حفظ الصحة) باشند. (ستیل 2003: 9).

در *ایالات متحده آمریکا*، گونه های زیادی همبستگی ها و شبکه های زنان در سطوح گوناگون وجود دارد. کار های آنها را فشار گذاری (لابی) اجتماعی، تمویل کارزار های بدنه های سیاسی زنان تشکیل می دهد. آنها جدا از انجمن پارلمانی زنان در کنگره آمریکا، از کارزار های سازمان های دانشجویی چون انجمن ملی سیاسی زنان و سازمان های سیاسی چون فهرست EMILY و صندوق کارزار زنان حمایت مالی کرده اند. پژوهش های انجام شده در سراسر کشور نشان می دهد که زنانی که در کار های تقنینی از لحاظ تصویب قوانین و تعیین سیاست های سودمند برای زنان و خانواده خیلی کامیاب بوده اند، کسانی اند که توانسته به شکل سازمان یافته با دیگر همکاران زن تشریک مساعی کنند. (کارول 2001: xii - xiii؛ براتون/یارنیلو 2002؛ توماس 1991)

"نشست های قانون گذاران زن شکل های گوناگونی داشت. در برخی ایالت ها زنان طی انجمن های رسمی با هم ملاقات می کردند؛ در برخی دیگر، این دیدار ها شکل غیر رسمی داشت. معمولاً نشست ها دو حزبی و و گاهی هم یک حزبی بود. با این حال، بدون در نظر داشت شکل ملاقات ها، این نشست ها برای زنان در قانون گذاری های مربوط به حقوق زنان همکاری متقابل ایجاد می کرد." (کارول 2001: 14).

"ظاهراً، تصویب موفقانه قانون های مربوط به زنان ربطی با موجود انجمن های پارلمانی زنان داشت. (...) در میان ایالت های که بیشتر قوانین مربوط به زنان، کودکان، و خانواده ها را به تصویب رسانیده بود، همه به جز از ایالت واشنگتن دارای انجمن پارلمانی زنان بود. و در واشنگتن، زنان 20 در صد پارلمان را تشکیل می دادند. در میان نمونه های قوه های مقننه ما پژوهش ما، این بیشترین تناسب است؛ افزون بر آن، ظاهراً آنها جهت تصویب قوانین زنان با هم همکاری داشته اند." (توماس/ویلخ 2001: 178).

در سال 1997، اعضای زنان مجلس عوام، کنگره، انجمن کنگره ای موضوعات زنان را پایه گذاری کردند. هدف از این کار، ایجاد ارتباطات میان اعضای زن کنگره و گروه های زنان بود. این انجمن از اعضای زن و مرد خود حق العضویت جمع آوری می کرد که به ایشان زمینه کارگماری کارمندان، تولید نشریات، و سازماندهی محفل دادخواهی عامه را فراهم می کرد. زمانی که در سال 1992 شمار زنان قانونگذارافزایش یافته به رکورد تازه ای رسید، به خاطر شمار زیادی اعضای زن منسجم، انجمن نیرومندتر شد. در نتیجه، انجمن توانست بر گفتگو های کنگره در مورد "عدالت صحتی، مرخصی های صحتی و خانواده گی، خشونت های خانواده گی و آزار جنسی" اعمال نفوذ کند. در عین حال، اعضا، از میان موضوعات دیگر، از کمک های مالی برای مادران دانشجو، مواظبت کودکان شرکت کننده گان در برنامه های کار آموزی، اصلاح قانون مالییه و انتخاب تولید مثل نیز حمایت می کردند. (باری 2005: 253-254)

فرا تر از کار های تقنینی

"دستگاه سیاسی زنان و دیگر ساختار های نهادی کمکی و اعضای زن پارلمان"

همچنان، جنبش های زنان و اداره های سیاست گذاری زنان، مانند کمیسیون حالت زنان، دفتر های زنان و وزارت های امور زنان، نقش برجسته را برای یاری رساندن زنان عضو در پارلمان جهت تاثیر گذاری بر سیاست قانون گذاری ها، سیاست گذاری ها و اجراءات سیاست ها بازی می کند.

دستگاه های سیاسی زنان ساختار های نهادی کمکی مهمی اند که می توانند در درون دولت و وزارت خانه ها، دستورکار های سیاسی مربوط به زنان را تقویت می کنند. دولت ها و وزارت خانه ها معمولاً نسبت به موضوعات جنسیت تبعیض آمیز عمل می کنند؛ به زنان نا مهربان اند و جلوی رسیده گی به و اجرای موفقانه پروژه های زنان را می گیرند. دستگاه های سیاسی زنان زمانی می توانند رویکرد تمرکزگرایانه در درون همه وزارت خانه ها داشته باشد که اقتدار و منابع کافی جهت نظارت، تحلیل، (دوباره) جهت دهی و اجرای سیاست ها در میان ادارات مسئول دولت داشته باشد. (ویلدون 2002: 1159f).

مزایای دیگر چنین یک دخالت هماهنگ شده اعضای زن پارلمان این است که: گفتگو و مشارکت "دانش گروه های زنان را در مورد موضوعات و نگرانی های شان ژرف تر می سازد". بدین گونه، پیشنهاد نامه های بهتر تقنینی و پالیسی را به بار آورده و مشروعیت عامه را قوی تر می سازد. همانگونه که درآسترلیا و کانادا تمرین می شود، تبادل مرتب اطلاعات و مجتمع های نهادینه شده بحث میان سازمان های جامعه مدنی زنان و مسئولین دولتی وابستگی به حسن نیت و مناسبات فردی را کاهش می دهد. (ویلدون 2002: 1157، 1160)



افزون بر آن، اجرای موفقانه سیاست ها نیازمند یک نیروی کافی سیاسی و حمایت نهادی در میان همه وزارت خانه هاست.

"سیاست های که به خشونت علیه زنان، حراست از آزادی و اختیار در امورات تولید مثل، و عدالت اقتصادی میان زن و مرد پاسخ می گویند، معمولاً نیازمند هماهنگی میان شماری از عمده ترین وزارت خانه های دولت است. به عنوان نمونه، پاسخ گویی دولت به خشونت علیه زنان، نیاز به اقدامات در ساحات متنوع سیاست های عدالت جنایی، معارف و کمک های درآمد زایی دارد." (ویلدون 2002: 1159)

سازمان های زنان به حیث گروه فشار خارجی عمل کرده، نهاده های ارزشمند و متنوع مردم عام را بازتاب می دهد (ایدم: 1160)؛ فرصت های آموزشی را بیشتر می سازد و حمایت مردمی و حوزه های انتخاباتی اعضای زن پارلمان را گسترش می دهد.



مطالعه نمونه ای: اتحادیه میان پارلمانی

اتحادیه میان پارلمانی که در سال 1889 به میان آمد، یک سازمان بین المللی پارلمان های مستقل است و هم اکنون 140 پارلمان و 7 پارلمان منطقوی عضویت آن را دارد. این اتحادیه با هدف بهسازی ارتباطات و هماهنگی میان پارلمان ها و اعضای آن جهت توسعه دموکراسی پارلمانی، همکاری و صلح پایه گذاری شده است. (وبسایت اش تا به تاریخ 30 جولای 2005 <http://www.ipu.org/english/whatipu.htm>).

یکی از گروه های این اتحادیه "نشست اعضای زن پارلمان ها" است که متشکل از اعضای زن و مرد است. این نشست یک گروه فشار گذار (لابی) است که در درون اتحادیه میان پارلمانی فعالیت می کند و در سال 1997 "گروه همکاری جنسیتی" را به وجود آورد. "نشست اعضای زن پارلمان ها" یک کانون تبادل تجارب و ممارست های اعضای زن پارلمان هاست و همچنان به حیث یک غول فکری (تینک تانک) راهبردهای تقویت حضور زنان در پارلمان ها را تعیین می کند. (پالمیری/جبری 2005: 225)

کارهای بین المللی آن بر کشورهای پس از منازعه مانند راوندا، بوروندی و تیمور شرقی تمرکز دارد. در این کشورها اتحادیه میان پارلمانی، آموزش های را در مورد سخنرانی عامه، تهیه و ایراد سخنرانی های کارزاری، توسعه راهبرد ها و ترفند های ارتباط گیری، سفرهای ساحوی به حوزه های انتخاباتی، مشارکت زنان قانونگذار در مناظره های عامه، طرزعمل پارلمانی و فرایند های بودجه ای، برگزار کرده است. این اتحادیه در راوندا، توانمندی های سازمانی و مشروعیت مجتمع زنان پارلمانی راوندا و در بوروندی، انجمن زنان پارلمانی را تقویت کرده است. هرودی این سازمان ها، زنان سیاسی را در امور جنسیتی منسجم می سازد. هم اکنون، مراکز نگهداری اسناد مربوط به موضوعات جنسیتی در این هر سه کشور پس از منازعه تاسیس شده است. (پالمیری / جبری 2005: 226 - 227)

R E F E R E N C E S

- Bratton, Kathleen A. and Michelle A. Barnello, Bridging the Gender Gap: The Sponsorship of Women's Interests in State Legislatures, University of Wisconsin-Milwaukee 2002, www.fsu.edu (as of 29.07.2007).
- Boles, Janet K., Local Elected Women and Policy-Making, in: *idem* (Ed.), The Impact of Women in Public Office, Bloomington/Indianapolis 2001, pp. 68-86.
- Cammisa, Anne Marie and Beth Reingold, Review Essay. Women in State Legislatures and State Legislative Research: Beyond Sameness and Difference, in: State Politics and Policy Quarterly, 4:2, pp. 181-210.
- Carroll, Susan J., Introduction, in: *idem* (Ed.), The Impact of Women in Public Office, Bloomington/Indianapolis 2001, pp. xi-xxvi.
- Carroll, Susan J., Representing Women. Women State Legislators as Agents of Policy-Related Change, in: *idem* (Ed.), The Impact of Women in Public Office, Bloomington/Indianapolis 2001, pp. 3-21.
- Chaney, Paul, Critical Mass, Deliberation and the Substantive Representation of Women: Evidence from the UK's Devolution Programme, in: Political Studies, 54, pp. 691-714.
- Childs, Sarah and Mona Lena Krook, The Substantive Representation of Women: Rethinking the 'Critical Mass' Debate, PSA 2006, <http://www.psa.ac.uk/2006/pps/Childs.pdf> (as of 29.07.2007).
- Crowley, Jocelyn Elise, When Tokens Matter, 2004, www2.gasou.edu/spsa/Papers_PDF/Crowley.pdf (as of 29.07.2007).
- Geisler, Gisela, 'Parliament is Another Terrain of Struggle': Women, Men and Politics in South Africa, in: The Journal of Modern African Studies, 38:4, pp. 605-630.
- Goetz, Anne Marie, The Problem with Patronage: Constraints on Women's Political Effectiveness in Uganda, in: Goetz, Anne Marie and Shireen Hassim (Eds.), No Shortcuts to Power. African Women in Politics and Policy Making, London/New York 2003, pp. 110-139.
- Hassim, Shireen, Representation, Participation and Democratic Effectiveness: Feminist Challenges to Representative Democracy in South Africa, in: Goetz, Anne Marie and Shireen Hassim (Eds.), No Shortcuts to Power. African Women in Politics and Policy Making, London/New York 2003, pp. 81-109.
-

-
- Karam, Azza and Joni Lovenduski, Women in Parliament: Making a Difference, in: International Institute of Democracy and Electoral Assistance (Ed.), Women in Parliament: Beyond Numbers. A Revised Edition, Stockholm 2005, <http://www.idea.int/publications/wip2/index.cfm> (as of 29.07.2007), pp. 187-213.
- Kazuki, Iwanaga, Women Legislators and their Impact on Public Policy: A Comparative Perspective, <http://www.wpaf.org/b202.pdf> (as of 29.07.2007).
- Lovenduski, Joni, Introduction: State Feminism and the Political Representation of Women, in: *idem* (Ed.), State Feminism and Political Representation, Cambridge et.al. 2005, pp. 1-19.
- McLean, Ian and Alistair McMillan (Eds.), Oxford Concise Dictionary of Politics, Oxford/New York 2003.
- Meier, Petra, The Belgian Paradox: Inclusion and Exclusion of Gender Issues, in: Lovenduski, Joni (Ed.), State Feminism and Political Representation, Cambridge et.al. 2005, pp. 41-61.
- Meintjes, Sheila, South Africa: Beyond Numbers, in: International Institute of Democracy and Electoral Assistance (Ed.), Women in Parliament: Beyond Numbers. A Revised Edition, Stockholm 2005, <http://www.idea.int/publications/wip2/index.cfm> (as of 29.07.2007), pp. 230-237.
- Meintjes, Sheila, The Politics of Engagement: Women Transforming the Policy Process – Domestic Violence Legislation in South Africa, in: Goetz, Anne Marie and Shireen Hassim (Eds.), No Shortcuts to Power. African Women in Politics and Policy Making, London/New York 2003, pp. 140-159.
- Palmieri, Sonia and Kareen Jabre, Promoting Partnership between Men and Women in Parliament: The Experience of the Inter-Parliamentary Union, in: International Institute of Democracy and Electoral Assistance (Ed.), Women in Parliament: Beyond Numbers. A Revised Edition, Stockholm 2005, <http://www.idea.int/publications/wip2/index.cfm> (as of 29.07.2007), pp. 214-229.
- Parry, Janine A., Women's Policy Agencies, the Women's Movement and Representation in the USA, in: Lovenduski, Joni (Ed.), State Feminism and Political Representation, Cambridge et.al. 2005, pp. 239-259.
-

-
- Schwindt-Bayer, Leslie A., Still *Supermadres*? Gender and the Policy Priorities of Latin American Legislators, in: American Journal of Political Science, 50:3, pp. 570-585.
- Seidman, Gay W., Gendered Citizenship: South Africa's Democratic Transition and the Construction of a Gendered State, in: Gender and Society, 13:3, pp. 287-307.
- Steele, Jackie F., The Context for a National Roundtable on Women and Politics in 2003, National Association of Women and the Law 2003, <http://www.nawl.ca/ns/en/documents/ContextWandPolitics.pdf> (as of 29.07.2008).
- Thomas, Sue and Susan Welch, The Impact of Women in State Legislatures. Numerical and Organizational Strength, in: *idem* (Ed.), The Impact of Women in Public Office, Bloomington/Indianapolis 2001, pp. 166-181.
- Thomas, Sue, The Impact of Women on State Legislative Policies, in: The Journal of Politics, 53:4, pp. 958-976.
- Tremblay, Manon, Do Female MPs Substantively Represent Women? A Study of Legislative Behaviour in Canada's 35th Parliament, in: Canadian Journal of Political Science/Revue Canadienne de Science Politique, 31:3, pp. 435-465.
- United Nations Development Program (UNDP), Political and Legislative Participation of Women in Pakistan: Issues and Perspectives, Islamabad 2005.
- United Nations Research Institute for Social Development (UNRISD), Gender Equality: Striving for Justice in an Unequal World, New York 2005, [http://www.unrisd.org/80256B3C005BCCF9/\(httpPublications\)/1FF4AC64C1894EAAAC1256FA3005E7201?OpenDocument](http://www.unrisd.org/80256B3C005BCCF9/(httpPublications)/1FF4AC64C1894EAAAC1256FA3005E7201?OpenDocument) (as of 29.07.2007).
- Wangnerud, Lena, Sweden: A Step-wise Development, in: International Institute of Democracy and Electoral Assistance (Ed.), Women in Parliament: Beyond Numbers. A Revised Edition, Stockholm 2005, <http://www.idea.int/publications/wip2/index.cfm> (as of 29.07.2007), pp. 238-247.
- Waylen, Georgina, Gender and Democratic Politics: A Comparative Analysis of Consolidation in Argentina and Chile, in: Journal of Latin American Studies, 32:3, pp. 765-793.
-

Weldon, S. Laurel, Beyond Bodies: Institutional Sources of Representation for Women in Democratic Policy Making, in: The Journal of Politics, 64: 4, pp. 1153-1174.

Further online information (as of 30.07.2007):

<http://www.guide2womenleaders.com/>

<http://www.idea.int/gender/index.cfm>

<http://www.iknowpolitics.org/>

<http://www.ipu.org/iss-e/women.htm>

<http://www.quotaproject.org/>

<http://www.wpaf.org/wpafhome.aspx>

